نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶



نقشه ای از دریاچه کاسپی بتاریخ ۱۴۸۴ میلادی که نام بخش جنوبی دریای کاسپین را 'هیرکانه' ضبط کرده است

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶

اگر در پیش از فتنه ۵۷ از اکثریت ملت ایران[1] پرسیده می شد که دریاچه ایی که در شمال ایران قرار دارد نامش چیست، بیدرنگ دو نام در پاسخ گفته می شد: "مازندران" و "شمال"؛ - ولی اگر همین پرسش امروز تکرار شود، پاسخ "دریای خزر" خواهد بود. ولی علت چیست؟

شوربختانه پس از واژگونسازی نظام شاهنشاهی توسط آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان بیاری اسرائیل در سال ۵۷ [2] و بقدرت رساندن رژیم استبداد مذهبی در ایران، یکی از سیاست های که این رژیم از روز نخست پیشه کرده است، سیاست "ایرانزدایی" [:حذف نشانه های ایرانی] بوده است، تا از این راه هویت ایرانی را نابود سازد. تغییر نام‌های جغرافیایی در ایران که بیدرنگ پس از فتنه و انقلاب مهندسی شده ۵۷ توسط غوغاسالاران مذهبی و چپ در ایران آغاز شد، در راستای این سیاست انجام شده است. اگر با دقت به آن ها بنگریم متوجه می‌شویم که هدف در تغییر نام ها، از جمله حذف نام های ایرانی یا هتا [:حتا] دستبرد در نام هایی که رنگ و بوی ایرانی داشته اند بشیوه ای سیستماتیک انجام و یکی از قربانیان آن تغییر دریاچه شمال/مازندران بوده است. البته این تغییر نام سیاست دیگری را نیز دنبال می کند و دستبرد به تمامیت ارضی ایران است که جا انداختن "دریا" بجای "دریاچه"[3] برای آب‌های شمال ایران است، دقیقاً در این راستا انجام شده است که در مقاله دیگری بدان پرداخته خواهد شد.

به هر رو، مردمان کشورهای پیرامون آب های شمالی کشورمان که اکثریت یا تُرکنژاند و یا تُرک-زبان آنرا "کاسپین" می خوانند. هر چند که درست آن "کاسپی" است، نام یکی از تیره های ایران باستان بوده است که در سده ششم پیش از میلاد در جنوب باختری آن دریاچه میزیسته است. نام شهر "قزوین" کنونی از آن ناموا‌ژه ریشه گرفته شده است.

دیرینگی نام دریاچه کاسپی

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶

این دریاچه ایرانی در دوران اوستایی (در هزاره دوم پیش از میلاد) "دریای وروکش" نام داشته است که هخامنشیان آن را "هیرکانه" خواندند و داریوش بزرگ، سومین شاهنشاه هخامنشی نیز در سده پنجم پیش از میلاد در سنگ نبشته بیستون بدان اشاره کرده است. همچنین، در بسیاری از نقشه های اروپایی تا دهه های پایانی سده ۱۵ رسایی، بخش جنوبی دریاچه کاسپی، هنوز با نام هخامنشی 'هیرکانه' (نام باستانی گرگان) شناخته می شده است (نقشه بالا).

شواهد تاریخی در دست نشان می دهد که هرودوت نخستین کسی بوده است که این دریاچه را "کاسپی" می خواند، البته تنها بخش جنوبی آن را. برخی از ایرانشناسان بر این باورند که نامگذاری کاسپی از سوی هرودوت انجام شده است. زیرا او در زمان ضبط تاریخ، نام راستین آن دریاچه که 'وروکش' بدست فراموشی سپرده شده و از آن ناآگاه بوده است، ولی در عین حال می بایستی واژه ایی را برای آن بکار می برده است. در نتیجه با آشنایی با نامِ قوم ایرانی "کاسپی" که در کنار آن دریاچه می زیسته است، نامش را بر روی آن دریاچه می گذارد، که تاریخنگاران پس از هرودوت و نیز اروپائیان از او پیروی کرده و واژه "کاسپین" را بکار می برده و تا به امروز همچنان ادامه دارد.

کاسپی ها (نامی برگرفته از زبان‌های باستانی ایرانست) به باور بسیاری از خاورشناسان مردمانی بوده اند که در کنار رود "کورا" تا منطقه قزوین امروزی میزیسته اند. در سده های هیژده، نوزده و بیست ترسایی، برخی از تاریخدانان غربی، بنادرستی 'کاسپی ها' را با 'کاسیان' یکی پنداشته و بنادرستی ادعا کرده بودند که یک قوم پیش-آریایی (غیر-ایرانی) بوده اند. ولی پس از واشکافی پاپیروس های مصری که در آن به نام کاسپی ها اشاره شده است، امروز آن نظریه رد و اکنون نشان می دهند که "کاسپی ها" مردمانی از نژاد ایرانی بوده اند. البته برخی هنوز بر این باورند که بخاطر چیره شدن فرهنگ ایرانی بر آنان، ایرانی-شده اند و اصل و نژاد آنان را بایستی ناشناخته دستگ بندی کرد.[4] در هر روی، در تائید ایرانی بودن کاسپی ها، هرودوت در بخش جنگ های خشایارشاه با شهرهای یونانی زبان، اشاره می کند که کاسپی ها بخشی از سپاهیان ارتش ایران بودند و اصلیت تباری آنان سکایی (از تیره ایرانی خاوری) بوده است.[5] نیز امروزه اکثریت باستانشناسان براین باورند که زیستگاه اصلی کاسپی ها، شهر "قزوین" امروزی بوده است و واژه "قزوین" بازمانده همان "کاسپی" است (کاسپی -> کَسپی -> کَزبین -> قزوین").

در سده های دیرتر این دریاچه کهنسال ایرانی با نام های "دریای گرگان" و "دریای تپورستان" نیز شناخته شده است. سپس در سده های میانی همواره نام "دریای گرگان" را نگهداشته و "دریای قزوین" (بحر قزوین در متون عربی و اسلامی)، "دریای تبرستان (طبرستان)"، "دریای گیلان"، "دریای مازندران" (سال ۱۳۱۶) و نیز "دریای شمال" به دیگر نام های آن دریاچه افزوده شده است.

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶

ناموآژه خزر

ناموآژه "خزر" ریشه گرفته از نام "خزار" و نام مردمانی تُرکنژادی است که در سده پنجم میلادی از تُرکستان در شمال غربی چین و به شمال قفقاز و شمال خاوری دریای کاسپی مهاجرت کرده برای خود خاناتی بپا ساخته بودند. خزارها که مردمانی نیمه-عشیره ای بودند که در سده هشتم ترسایی، بدستور دو خان خود، بنام های 'خاقان' (خان مهتر) و 'ایشا' (خان کُهتر)، به کیش یهودی می گروند.[6]

تا پیشاز گرویدن خزارها به کیش یهودیت، کیش آنان مانند دیگر تُرکان باستان، شِیمنیزم و بُت پرستی بوده است و شوند [:علت] گرویدن به یهودیت، بدان خاطر بود که امپراتوری بیزانس با مرکزیت در کنستانیینوپول (قسطنطنیه) همواره در تلاش بود تا آنان را به کیش مسیحیت در آورد؛ - از آنسوی با گسترش اسلام و کشورگشایی ها تازیان از جمله اشغال امپراتوری ساسانی، خاقان خزارها از هراس آنکه مبادا مردمش چنان سرانجامی داشته باشد، با آشنایی بر آنکه مسلمانان یهودیان را اهل کتاب شناخته و می پنداشته است تا از یورش تازیان در امان خواهد بود، مردمان خود را وادار می سازند تا همگی به کیش یهودی درآیند. سرانجام 'سویاتوسلاو یکم کی یف' پادشاه روس های 'کی یف'، میان سال های ۹۶۵ و ۹۶۹ ترسایی، به خانات سیصد ساله خزارها پایان داد و 'آلتی' پایتخت آنان را با خاک یکسان ساخت. نتیجه آن یورش، مهاجرت بخشی از خزارها به اروپای خاوری و سپس اروپای باختری شد. مردمان اشکنازی یا یهودیان اروپایی امروزی،[7، 8] **و نیز چچن های مسلمان امروزی از بازماندگان خزارها می باشند.**

بهر روی، شواهد و مستندات تاریخی نشان می دهند که پس از ورود اسلام به شمال قفقاز و سرزمین هایی که روزی خزارها در آن سکونت داشتند را تازیان "خزر" می نامند. در نتیجه این نام نیز برای نخستین بار برای بخش شمالی دریاچه کاسپی بکار برده شد. پس از تازیان، عثمانی ها که با خزارها همنژاد بودند این نام را بر روی کل دریاچه نهاده و در گسترشش نیز کمر بستند و بدینروی هم مردمان تُرکزبان، خواه نژادشان تُرک باشد یا نه (همچون ایرانیان آذربایجانی که زبانشان تُرکیست، ولی نژادشان ایرانی)، در بکار بری ناموآژه "خزر" پافشاری می کنند.

پایان سخن

بکاربری نام "خزر" برای این دریاچه ایرانی نه تنها کاری نادرست، بلکه توهینی به ملت ایران و نیاکانمان می باشد. بنابرین، براساس منافع ملیّمان بایستی نامی شایسته برای آن بکار برده شود که بهترین گزینه، یکی از نامهای باستانی و پیش از اسلام است. با این حرکت، هم به هویت ملی یاری رسانی خواهد شد و هم اختلافی میان ایرانیان برسر این نام پدید نخواهد آمد، که بهترین آن نامواژه ها "دریای وُروُکَش" اوستایی یا "کاسپی" است، که نامی جهانی و نیز نامیست ایرانی.

در نتیجه، این یک وظیفه ملی یکایک ما ایرانیان است تا از "خزر" خواندن این دریاچه ایرانی بشدت دوری جسته و در گسترش نام کاسپی کوشا باشیم؛ - افزون بر آنکه بکاربری نام های ایرانی بجای بیگانه، بگونه ای خودکار مبارزه ای ملی با رژیم اشغالگر دستاربندان است و به شکست سیاست ایرانزادیی رژیم و اربابان بیگانه اش یاری رسانی می کند.

شاپور سورنپهلو

۱۸ امرداد ۱۳۷۶

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶

August 09، 1997

پی نوشته ها

1 - **بجز در استان های خراسان و آذربایجانی نشین که اکثریت خزر میگویند.**

2 - **شواهد در دست نشان می دهند که سرنگونسازی نظام شاهنشاهی توسط غربیان و اسرائیلی ها، با ساخت پروژه ای محرمانه بنام "عملیات پهلوی" و در سال ۱۹۷۳ در لندن آغاز شده بود تا مشکلات مالی "شهر لندند" (قلب اقتصاد) بریتانیا را رفع کند که در سال های پس از آن هدف های سیاسی بخاطر کسب قدرت شاهنشاه فقید و نیرومند شدن ایران در همه سطوح جهانی، زنگ های خطر را برای غربیان و نیز اسرائیل به صدا در آورد و بدان افزوده شد. امیدوام در آینده ای نزدیک در مقاله ای به رخداد مهم که مسیر حرکت و آینده ایران را تغییر داد، بپردازم.**

3 - **کاسپین یک "دریاچه" است و در حقوق بین الملل "ملک و آب مشاع" و مانند "دریا" قابل تقسیم بندی نیست. ولی کشورک های نوپای پیرامون کاسپین در قفقاز و آسیای میانه تلاش کرده اند تا با تبدیل دریاچه به دریا، حق "حاکمیت مشاع" (مالکیت مشترک یا** ownership shared) **ایران در دریاچه کاسپین، که نیمی از آن "ملک و آب مشاع" متعلق به**

ایران است و در همه قراردهای دوستانه که میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی پیشین ذکر شده است را پایمال کنند، که جمهوری اسلامی نه تنها مخالفتی نشان نداده است، بلکه همیاری و همکاری هم کرده است! نگا، به:

Clagett، Brice M.، "Ownership of Seabed and Subsoil Resources in the Caspian Sea Under the Rules of International Law،" Caspian Crossroads Magazine، Volume I، issue III، Fall 1995.

4 – Grelot، P.، "Notes d'onomastique sur les textes araméens d'Egypte،" Semitica 21، 1971)، pp. 101–17)

5 –Cook، J. M.، "The Persian Empire"، London (1983)، pp.105–106

6 – Dunlop، D. M.، "The History of the Jewish Khazars"، Princeton Oriental Studies Volume 16، Princeton University Press (1954)

7 – http://www.biblebelievers.org.au/jews.htm

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ ساعت ۲۲:۰۶

8 - شمارش کل یهودیان جهان امروز ۱۳.۵ میلیون تن برآورد شده است، که به سه گروه اشکنازی، سفاردی (اسپانیایی) و مزراحی بخش می شوند. ساختار جمعیتی پیروان این کیش، ٪۷۰ اشکنازی، ٪۱۶ سفاردی و ٪۱۴ مزراحی می باشند. یهودیان مزراحی، یهودیان کهن و راستین بشمار می روند و به گمان بسیار بالایی از فرزندان مردمان عبری زبان باستان هستند، که کورش بزرگ آنان را از اسارت در بابل رها ساخته بود، و بازماندگان امروزی آنان بجز فلسطینی ها، یهودیان ایران (پارسیم)، عراق و یمن را تشکیل می دهند.

" - 9ایران ستیز/ایران ستیزی/ایرانی ستیزی" به چم شخص، جریان یا اندیشه ای که با ایران و ایرانی، فرهنگ ایرانی و هویت و تاریخ ایران دشمنی و سر ستیز دارد. این واژه را این نگارنده در سال ۱۹۹۰ ترسایی برابر اصطلاح انگلیسی .شد برده بکار حاجیلو آقای مدیریت با "اعدام" روزنامه در ای مقاله در بار نخستین برای و ساخته 'anti-Iranian'